

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

فرانکفورت - ۲ دسمبر ۲۰۱۵

پیر خرد!!!

(از خاطرات گذشته)

دوش با پیر خرد داشتم این گفت و شنود
از پی قافله رفته چه باید کرد
گفت این قافله را آنچه به راه است امروز
تا درین بادیه با عزم قیامی کردی
بخت بیدار تو یک عمر فلکپیما بود
واجد فخر و شکوهت به خدا ساعد توس
که بگو با من دلسوخته از بود و نبود
اندرین کاهلی ما چه زیان است و چه سود
همه در پنجه پرقوت بازوی تو بود
چه سر تاجوران رفته به پایت به سجود
گرچه امروز ترا نیست بنائی به نمود
آری از پهلوی تو گشته جهانی مسعود

حیف کز دست تو این سلسله برآمده مفت

گفتم ای بخت سیه، چشم فلک بینت کو؟
ای غبار ره اضداد! وقار تو چه شد؟
نقد امروز تو ای مایه حسرت به کجاست؟
آخر از صفحه بگذشته خیالی بنمای
تا که چشمان ترا پرده پندار گرفت
"آخر ای مسند جم جام جهان بینت کو؟"

"گفت: افسوس که آن دولت بیدار بخت"

گفتم این خواب چه خوابست که بیدارش نیست
آخر این گوهر ناسفته که اندر صدف است
آخر این جنس گرانمایه که دست آلود است
دیدم این نخل برومند که در باغ دمید
آخر این راحله را قافله سالاری بود
از چه امروز دگر قوت رفتارش نیست

چند باشد به غم و رنج و الم همسر و جفت

گفتم این شام سیه، گفت سحر خواهد شد
گفتمش از چه رسد شاهد مقصود به بر
ناید این گوهر نایاب به کف بی محنت
گفتمش صحنه هستی ز چه موزون گردد
گفتمش گفته ما را به کسی نیست اثر
گفتمش مرد و زن ماست خرافات پسند
گفتم این محنت و غم، گفت به سر خواهد شد
گفت با سعی و عمل این همه برخواهد شد
خاک از کار و عمل، ناسره زر خواهد شد
گفت اینها همه با خون جگر خواهد شد
گفت: اشعار ترا نیز اثر خواهد شد
گفت این تلخی ایام شکر خواهد شد

آری این گوهر نایاب به کف ناید مفت

(م. نسیم "اسیر" - ۱۰ حمل ۱۳۳۲ ش - کابل عزیز)